

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

پنجشنبه ۱۸ فروردی ۲۰۲۱

ناتور رحمانی

## (حسابدھی و شفافیت!؟)

( بخش دوم )

-- خوب. فرمودید که وزیر بیکاران و بیماران استید ، یعنی در واقع وزیر بیشتر از نصف مردم این سرزمین ، به یقین با فقر بودجه مواجه استید .

-- چطور مگر ؟

-- خوب روشن است با این همه خیل گدا ، مریض و گرسنه برای شما پولی باقی نمی ماند تا لبی تر کنید و جیگری تازه .

-- جناب صدر ! وزارتی را که من مسوول آن استم فقر بودجه چی که اصلاً بودجه ندارد، کی به غم مردم مسکین ، بیچاره و مریض است که شما دوم اش باشید .

-- آقای وزیر لطفاً از صحبت پیرامون موضوعات غم انگیز و ناراحت کننده بپرهیزید بر علاوه که خوشایند نیست اسید معده مرا هم بالا می برد ، داکتر امریکایی من گفته خود را خوش نگه کنید و غم هیچ چیز را نخورید ، چرا بیمورد وقت خوش ما را ضایع میسازید ، میدانی بعد برنامه خسته کن و کوتاه مدت حسابدھی ( گرچه ساختگی است ) در وقفه دراز مدت میخوریم ، می نوشیم و به ریش همه میخندیم .

-- یعنی این همه مردم مظلوم و مستحق ...

-- به بلای ما ، بخدا تا خودشان متوجه نشوند و از حقوق خود دفاع نکنند ، از حلقه های زنجیروار اسارت و ستم ( دین سیاسی ) برون نیایند ، تا خود شان نماینده های واقعی خود را شناسند ، و تا برای عدالتخواهی حلقوم ما را پاره نکنند ، روزگارشان ازین بدتر خواهد شد .

-- بیخشید جناب صدر ! اصلاً شما یا بهتر است بگویم سیستم ها یا رژیم های مستبد و خودکامه آنقدر فشار، بیداد ، تعدی و فریب در حق این مردم روا داشته اند که بسیار خوشباورانه ، یا بخاطر

رهیدن از چنگال دیو و دد ، هر شیطانک چراغ را آفتاب و هر خاشه را خروار فکر کرده اند ، و با صد امید و هزار آرزو دست هرکس و ناکس حتا دشمن خود و وطن خود را بار بار بوسیده اند ، مگر عاقل از آن که از دامی رسته و در بندی چند باره بسته شده اند .

-- روزگار شان ازین بدتر ، تاکی تا چه وقت چرا بیدار نمیشوند؟؟؟ چرا خوب و بد خود را نمی فهمند ، راستی همان بهتر که نفهمند تا ما به گرده ای شان سوار ، و از نوشیدن خون شان مست باشیم .

-- آنها می فهمند خوب هم می فهمند ، مگر در مقابل مکر و فریب شما و مثل شما آزرده نشوید جناب چون گپ آمد ، و عده ای به اصطلاح روشنفکران خود فروخته که نان به نرخ روز میخورند ، و مزدور منشانه با تبلیغات وسیع به نفع شما ، استبداد سیاسی و مذهبی خلع سلاح میشوند ، و فکر میکنند تقدیر چنین بوده و سرنوشت چنین است ... باید صبور بود که رب جلیل دوست صبوران است و ... .

-- خوب دگر معلوم است که نمی فهمند ، اگر هوشیار شده اند چرا بار بار فریب ما و ملا نقطی ها را میخورند ، که حرف های شان نه حسابیست و نه کتابی ، چرا واکنش نشان نمی دهند ؟  
-- بادست خالی و شکم گرسنه ؟

-- چرا یادت رفته آن ( نابغه ی شرق ، خردمند بزرگ ، رهبر توانا ، روح انقلاب هفت ثور؟! و غیره و غیره در صحبت های داهیانہ شان کاپی از حلقوم مردم انقلابی نگفته بودند که :  
<< د خلکو زور د خدای زور دی >>

آقای وزیر متوجه باشید مثل که ما سیاست میکنیم ، و این رویه نه برای شما نه برای حکومت پهلودار ، و نه برای اسید معده من خوب است ، آقای وزیر حالا که شما با فقر بودجه مواجه هستید چرا یک کار دگر نمیکنید .

-- مثلاً چی کاری ؟

-- مثلاً فروش ، فروختن .

-- فروش چی ؟ فروختن خود ، مردم یا وطن ؟

-- نخیر آنها را قبل از شما زرنکترها فروخته اند ، منظور فروش اموال تان است ، اموال غیر منقول دارید ؟ آنها را بفروشید دالرک های نقد را به بالا جیب بگزارید ، و به همان سرزمین مصون و مطلوب تان برگردید ، که درین شوره زار نیلوفر نروید .

-- جناب صدر! جهت معلومات شما گزارش میدهم ، قبل ازینکه اجباراً ازین زادگاه ای زیبا فرارم بدهند ، از داشته های غیرمنقول همان خانه گک کاهگلی را داشتم ، که آنرا راکتیار به راکت پراند .  
-- این کار دشمنان خارجی ماست .

-- نخیر کار دشمنان مردم ، کار خونخوران داخلی بوده همان های که دیروز سردسته ی تفنگداران و خراب کاران بودند ، و امروز صاحب ثروت و اقتدار اند و در کابینه و شوراها حضور دارند ...  
-- آقای وزیر شما از گپ گپ میکشید ، من از فروش گفتم وشما ... .

-- من از خود چیزی ندارم ، و نه جسارت اینرا دارم که بیت المال و مال مردم را بفروشم .  
-- کی این کار را کرده که شما دوم اش باشید .

-- نمیدانید ؟ یا خود را به کوچه حسن چپ میزنید ، نمی بینید که چطور شاه مخلوع و اهل و تبارش مثل مار روی سینه ی ملت چنبر زدند ، و دار و ندارشانرا که مالکیت اصلی مردم است بفروش رساندند ، یا آن ریش تا ناف که در امر مذاکره ، معامله و سازش با همسایه ها را حتمی میداند؟! مگر او از دره تا تپه را نفروخته و نمی فروشد ، حالا اگر بخواهی صدها نمونه دگر هم است .

-- ( خنده ) نه لازم به افشاگری نیست ، ما بیشتر از خودت میدانیم ، باز بابای ملت را میگویید؟  
-- کدام بابای ملت ؟ همان بابای که چهل سال ملت را در فقر ، بیسوادی و بیماری نگه داشت و خود بابایی کرد ، او چهل سال با ملت چهل تاق و چهل متاق کرد و شش کروری کابل را آباد نمود ، لطفاً زبان مرا مشورانید .

-- بگو بگو گناه شما نیست ، گناه از ماست که طرفدار دموکراسی استیم .

-- او هم دور از شما طرفدار دموکراسی بود ، از یکطرف بلند شدن آوازهای زنده باد و مرده باد را میگذاشت ، از دگر طرف زندان ها را از مردان دگراندیش و آزادیخواه پر مینمود ، و یا بسیار جبونانه آنها را سر به نیست میساخت ، شما شمار زیادی ازین سربداران نام آور را بیاد دارید این مردک پرورش یافته در دامان ریا و رفاه ، عمر بی مفومش را به عیاشی سپری نمود ورنه ما چنین نمی بودیم .

-- چطور مگر ؟

-- شما نمیدانید که در شرق و غرب ، شمال و جنوب این کشور قصرهای بنامش بوده و بیشترین وقت خود را به سیر و سفر ، شکار و چی های دگر میگزرانید و از هر چمن گلی میچید و پرپر میکرد ، مگر شما از نام های غلام بچه های دربار ( رحیم غلام بچه ) و دهها برده ای دیگر بنام غلام بچه که زمینه ساز بزم هایش بوده اند چیزی نمیدانید ؟

-- آقای وزیر توبه کنید ، شما چطور بخود اجازه میدهید در مورد بابای ملت چنین حرف های بزنید.  
-- باز میگویم کدام بابای ملت ؟ وی را کی بابای ملت انتخاب کرده ؟؟ آیا ملتی که داغ هزارها بدبختی را از دست وی و اهل و تبارش به سینه دارند او را بابای خود خطاب میکنند ؟ هرگز نه جناب صدر نه ، ملت درین انتخاب هیچ دخیل نبوده ، این یک مصلحت سیاسی یا حاتم بخشی قوم پرستانه بوده و بس .

-- خوب هر چی شما فکر میکنید ، خدا مرا به گناه شما گرفتار نسازد ، حالا به کوری چشم شما با بسیار آرامش خیال داشته های غیرمنقول خود را بفروش رسانیدند ، با افتخار و مصونیت هم بابای ملت شدند ، و هم با آرامش خیال بدون دغدغه با احترام خوراک کرم های گور شدند ، نه به سرنوشت ( رضاشاه ) دچار شدند و نه به سرنوشت ( صدام حسین ) از زمین ها و تعمیر های پغمان و لغمان ، پروان و بدخشان گرفته تا کندوز و کندهار ، کنر و کابل حتا کوتی باغچه های ارگ را نقد کردند ، باز خدا پدر ( داوود خان ) را بیامرزد که دست خالی ازین جهان رفت .

-- ببین آقای صدر ! به قول تاریخ وقتی پدر شان با برادران سه تفنگدارش بفرمان برتانیای کبیر از ( دیره دون ) به افغانستان داخل شدند ، از دار دنیا چیزی نداشتند و تا قبل از آنکه ( حبیب الله سقاب زاده ) جای را خالی کند مهمان آشنایان سرحدی خود بودند ، پس این مردک به اصطلاح (بابای ما ) این همه جایداد را از کجا کرد ، که با دست باز و خیال راحت بفروش رسانید ؟ مگر در مصاحبه اش (بی بی سی ) باربار تکرار نکرده است : >> من بچه یک سپه سالار بودم نه بچه کدام پادشاه << پس این همه مثل سلطنت خدادادش از آسمان برایش افتاد؟!</p></div>

-- شما چی فکر میکنید ؟

-- فکر چرا ، مردم فقیر این کشور در بلاها مانده به یقین میدانند ، که او مال ملت را چاپید و یکبار دگر نامش را در تاریخ این سرزمین سیاه ساخت ، خاین خاین است چه مرد حقیری مثل او باشد چه مثل شما صدرالوزرا .

-- حالا چرا پشت مُرده گپ میزنید ، از کفن کش های زنده بگویید ، نه بهتر است نگویید راستی میخوهد مرا هم رسوا بسازید ؟

-- بلی . شما را چی اگر پدر تان هم خاین به این خاک و مردم آن باشد ، او را رسوا خواهم کرد تا همه بدانند که شما ها چگونه جنسی استید .

-- وای معده یم ، وای دگر تحمل ندارم شما از دی ، مو ، کر ، آسی ما سو استفاده میکنید .

-- خاک به سر تان همراهی دموکراسی قلبی تان .

salamwatanam@gmail.com

-- وای از برای خدا کجا استید؟ ملا انصارالله، ملاشنواری، ملا مجددی، ملا ضعیف، ملا راکتی، ملابرادر، ملا استانکزی، ملا مغزمتفکر، ملا عین، ملا غین، ملا... این مردک کفر میگوید، مرتد است زود او را مجازات کنید، شلاق و تازیانه بزنید، یا مانند دهها خبرنگار، چیز نویس با وجدان، فعال وطنپرست مدنی و... با ضرب مشت و لگد یا به وسیله بم های چسپکی نابودش کنید.

-- گوش کن صدر بی قدر! من قبلاً نابود شده ام از همان روز جلوس پدر تاجدار بابای تان.  
-- باز هم مرگ بر شما، مرگ بر شما وزیر بیکاران و بیماران و وزارت نام نهاد تان، شما لیاقت حسابدگی و شفافیت را ندارید، بروید از پیش چشم گم شوید، حسن غمکش، حلال زاده ای بچه شفو، کلک راستگوی... .

ختم